

عوامل بیرونی بزهکاری اطفال

□ سید هدی (اعلی) امیری *

چکیده

منظور از عوامل بیرونی بزهکاری اطفال، مجموعه علل، اسباب و اموریست که موجب رفتار بزه، حالت ضد اجتماعی، ظهور و بروز عملکرد خلاف قانون، بهم خوردن نظم عمومی و اتلاف حقوق افراد جامعه، توسط کودکان و نوجوانان می شود. نگارنده این مقاله سعی نموده است تا عوامل مورد نظر در حد امکان مورد شناسائی و ارزیابی قرار دهد تا با رسیدن و دستیابی به سلامتی فکری، روحی، روانی، عاطفی و حتی جسمی اطفال که همانا سلامتی جامعه به این موارد متکی است سهیم باشد. بر اساس یافته های این تحقیق بزهکاری اطفال ناشی از عوامل متعدد بیرونی و مشخصی است که در صورت اصلاح و تغییر این عوامل، امکان پیشگیری از بزهکار شدن اطفال و در نهایت رسیدن به جامعه ایده آل و آرمانی وجود دارد.

کلید واژه ها: بزه، بزهکاری، بزه دیدگی، بزهکاری اطفال، بزهکاری نوجوانان، عوامل بزهکاری

مقدمه

هرچند بزهکاری اطفال کم و بیش از گذشته های دور وجود داشته است؛ اما جهان امروز با شیوع بیماری همه گیر جرم و بزهکاری اطفال مبتلا می باشد. اسب سرکش این ویروس همه گیر بی هیچ ملاحظه ی و بدون توجه به مرز، رنگ، زبان و فرهنگ همچنان در حال تاختن و در نهایت فتح کردن و فراگیر شدن است. براساس یافته های دانشمندان، هر قدر عمر جهان زیست مردم در این کره ی خاکی به سمت بزرگسالی و کهنگی پیش می رود، سن و سال مجرمین و بزهکاران کم و کم تر می گردد. حرکت رو به همیشه جلو پدیده نا مبارک بزهکاری اطفال و نوجوانان چندیست زنگ های خطر را برای مردم جهان به صدا در آورده است. شواهد و قرائن نشان دهنده سرعت بدون توقف این روند ناخوشایند است. این در حالی است که سلامت آینده بشریت و سلامت زیستگاه آدمی بسته به سلامت اطفال و نوجوانان است. پدر و مادر دردمند، بیوه زنان و خانواده های اسیر و دربند ناشی از تبعیض ها، جنگ ها، قتل ها و مصایب و آلام های ساخته دست انسان دیروز و امروز چشم دوخته گان صلح، رفاه، امنیت، برادری، برابری، عدالت، رعایت حقوق همدیگر، انسان زیستی و... توسط آینده گان اند. وضعیت نگران کننده کنونی جامعه خردسالان، دغدغه مندان نسبت به آینده خانواده ها، جامعه و مردم را به شدت نگران و درگیر کرده اند. این نگرانی برای عده ای زیاد باعث ایجاد دل نگرانی و به تبع آن زنده شدن حس کنجکاوی و جستجوگری برای علل یابی و علل شناسی شده است. طبیعی است درمان بیماری و همچنین پیشگیری از آن جز با شناخت علت و ریشه یابی آن ممکن نخواهد بود. مسلماً بیماری نگران کننده بزه اطفال که به شدت می تواند برای اطرافیان و کل جامعه خطرناک باشد جستجوگری و آزمون و خطای بیشتری را می طلبد. موضوع سلامتی جسم و روان کودک چنان مهم است که پیشوایان دینی و منابع دسته اول دینی مان تاکید بسیار فراوان نسبت به سلامت آوری فرزند (اعم از سلامت جسمی و روانی) دارند. همچنین برخی از حقوقدانان - بویژه حقوق کیفری - جرم شناسان، روانشناسان و جامعه شناسان به نیت کمک به جامعه عاری از بدی و بزه، به بزهکاری کودکان، علل و عوامل آن پرداخته اند. مقاله ی حاضر، با عنوان: «عوامل بیرونی بزهکاری اطفال» نیز ناشی از همین دغدغه بوده است. اضافه شدن واژه «بیرونی» در عنوان مقاله

بدین جهت است که بزهکاری کودکان و اطفال می توانند عوامل داخلی؛ از قبیل ژنتیک، تغذیه دوران بارداری مادر، بیماری های دوران حاملگی مادر، بیماری های مادر زادی و... نیز داشته باشد؛ اما در این مقاله تنها علل و عوامل بیرونی دوران پس از تولد مورد شناسائی و ارزیابی قرار گرفته است.

گفتار نخست: کلیات

الف) مفهوم طفل

۱- مفهوم لغوی طفل

از نظر غالب لغت شناسان به فرزند صغیر و کوچک، طفل اطلاق می شود اعم از این که فرزند انسان باشد یا بچه ی حیوان. (فیومی، بی تا، ۲، ۳۴۴؛ حمیری، ۱۴۲۰، ۷، ۲۶) برخی لغت شناسان نرم بودن بدن را مرز شناخت طفل از غیر طفل قرار داده اند. «تا وقتی طفل گفته می شود که فرزند، بدنش نرم باشد.» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۱، ۵۲۱) گفته شده که به معنی کودکی و خردسالی؛ کم سالی و خردسالی نقطه مقابل کبر سن. (انوری، ۱۳۸۱، ۴۷۳۲) کودک یعنی کوچک، صغیر، بچه، خواه پسر باشد یا دختر، فرزندی که به حدی بلوغ نرسیده است، طفل و صورت دیگر آن کوچک است. (دهخدا، ۱۳۵۱، ۴۰، ۳۱۶)

۲- مفهوم اصطلاحی طفل

در فقه به کسی طفل گفته می شود که به سن بلوغ نرسیده باشد. لذا برای فهم دقیق مفهوم طفل نیاز مند مفهوم شناسی بلوغ هستیم.

۱-۲- مفهوم لغوی و اصطلاحی بلوغ

بلوغ در لغت، رسیدگی، رسیدن به سن رشد هنگام رسیدگی و بالغ شدگی پسر یا دختر است. (دهخدا، همان، ۱۱، ۳۷۶)

بلوغ در فقه رسیدن طفل است به حد احتلام در مرد و حیض یا حمل در مورد زنان. (جعفری

لنگرودی، ۱۳۸۱، ۱۱۳) «مراد از بلوغ - به ضم با - که معنای آن در لغت ادراک و رسیدن است، در اصطلاح، رسیدن به حدّ نکاح است که از طریق به وجود آمدن منی در بدن انسان و تحرّک و خیزش شهوت و تمایل به مقاربت و جماع و بیرون آمدن آب جهنده حاصل می شود. بر این اساس بلوغ به کمال رسیدن طبیعت انسان است که موجب بقای نسل آدمی و قوی شدن قوه عاقله می باشد و در نتیجه حالت و زمان انتقال از دوره صباوت و طفلی و رسیدن به مرز کمال است.» (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۴، ۴؛ مرتضوی لنگرودی، ۱۴۱۲، ۱، ۱۵) بلوغ از امور طبیعی و عرفی است که هر وقت آثار و علائم آن ظاهر شد حاصل می شود و از موضوعات و احکام شرعی نیست که نیاز به بیان شارع باشد و نتوان جز بیان شارع آن را شناخت. (نجفی، همان) معمولاً آنچه از روایات استفاده می شود شناخت بلوغ از علائمی؛ همچون روئیدن موی خشن برعانه^۱ پسر یا دختر، احتلام یا خروج منی از موضع خاص و اکمال ۱۵ سال برای پسران و ۹ سال تمام قمری برای دختران است. (علوی، ۱۴۲۱، ۱، ۳۵) هرچند در مورد سن عنوان شده برای بلوغ دختران به ویژه میان فقها اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی آنچنان که برخی معتقدند. (ساریخانی، ۱۳۹۱، ۱۱۶) شاید بتوان گفت سن موضوعیت ندارد بلکه سن یکی از نشانه های بلوغ است که غالباً به آن سن به بلوغ می رسند.

طفل یا صغیر در اصطلاح حقوق به کسی گفته می شود که از نظر سن به نموّ جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۷، ۱۱-۱۲) البته در حقوق داخلی کشورها، سن معینی برای طفل در نظر گرفته می شود که نشان دهنده رشد جسمی و روحی است.

۲-۲- مفهوم طفل در پیمان نامه حقوق کودک

پیمان نامه حقوق کودک که به عنوان یک سند بین المللی و مورد تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده و اکثریت کشورها آن را امضاء و تصویب نموده اند در ماده یک این قانون تعریفی از کودک ارائه نموده و مقرر می دارد: از نظر پیمان نامه کنونی، منظور از کودک هر انسان دارای کمتر از ۱۸ سال سن است، مگر اینکه طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی

کمتر تعیین شده باشد.^۲ طبق این ماده کودک به زیر سن ۱۸ سال اطلاق می شود مگر اینکه در حقوق داخلی سن کودک را کمتر از ۱۸ سال تعیین کرده باشد.

۲-۳- مفهوم طفل در نظام کیفری افغانستان

قانون تخلفات اطفال افغانستان مفهوم طفل را به شکل زیر بیان نموده است
طفل: شخصی است که هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد
طفل غیر ممیز: شخصی است که هفت سالگی را تکمیل نکرده باشد
طفل ممیز: شخصی است که هفت سالگی را تکمیل و هفده سالگی را تکمیل نکرده باشد
طفل نوجوان: شخصی است که ۱۲ سالگی را تکمیل کرده باشد و هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد.^۳ از ماده فوق استفاده می شود که در افغانستان به تمامی افرادی که سن هجده سالگی را تمام نکرده باشد طفل اطلاق می شود. این قانون بین طفل پسر و دختر فرق نگذاشته و این مسأله با موازین فقهی هماهنگ نیست. هرچند با اسناد بین المللی هماهنگی دارند، چنانچه برخی به آن اشاره دارند: کشور افغانستان هم گام با اسناد بین المللی در راستای جهانی شدن گام برداشته است. (کوشا و خواجه نوری، بی تا، ۲۰۲) به نظر می رسد این قانون.^۴ به صورت دقیق تر به تبیین مفهوم طفل پرداخته است و سعی بر آن داشته تا حد امکان ابهامی در این خصوص باقی نماند.

۲-۴- مفهوم طفل در قانون ایران

هرچند در قانون مجازات اسلامی سابق ایران^۵ سن مشخصی برای تشخیص طفل در نظر نگرفته و بلوغ شرعی را مرز میان کودکی و بزرگسالی دانسته بود. تا جایی که برخی معتقدند بررسی قوانین متعدد در ارتباط با کودکان، روشن می سازد که هیچ تعریف مشخصی از کودک در نظام حقوقی ایران وجود ندارد. (شاملو، ۱۳۹۰، ۷۹) اما به اعتقاد برخی در حال حاضر مطابق ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی ایران غیر بالغ کسی است که به سن ۹ سال تمام قمری در دختران و ۱۵ سال تمام قمری در پسران نرسیده باشد و با رسیدن به این سن مسئولیت کیفری آغاز می شود. (گلدوزیان، ۱۳۸۶، ۲۴۰) ولی قانون گذار مجازات اسلامی بین طفل ممیز و غیر ممیز

تفکیک نکرده است. (زراعت، ۱۳۸۶، ۲۳۲) در حالی که در کتب فقهی چنین تقسیم بندی از گذشته وجود داشت. برخی بر این باورند که عقیده قانونگذار اسلامی سرحد تمیز و عدم تمیز در دختر، ۷ تا ۹ سالگی و در پسر، ۷ تا ۱۵ سالگی می باشد. (شامیبانی، ۱۳۹۲، ۲، ۲۵۶) هرچند در این ماده نسبت به مرز دقیق ممیز از غیر ممیز تصریح نشده است؛ اما به نظر می رسد بر اساس قانون جدید مجازات اسلامی حد فاصل نه سال تا ۱۵ سال تمام سن اطفال ممیز مورد نظر قانونگذار باشد.^۶ اما علی رغم آنچه گفته شد به نظر می رسد تعیین مرز دقیق تمیز برای طفل از سوی قانونگذار با ملاک سن، چندان دقیق نخواهد بود؛ زیرا تعیین مرز تمیز با این معیار صرفاً یک اماره و نشانه غالبی بیش نخواهد بود. هرچند تعیین آن در قانون برای قضات در مقام رسیدگی به بزه اطفال تا حدودی به دلیل در نظر گرفتن مسئولیت کیفری ولو اندک برای طفل ممیز و عدم مسئولیت برای غیر ممیز، ضروری و راهگشا خواهد بود.

ب) مفهوم لغوی و اصطلاحی جرم و بزه

جرم، یا «بزه» در لغت به معنای گناه سنگین (عبدالرحمن، بی تا، ۱، ۵۹) و مطلق گناه «ذنب» به کار رفته است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۶، ۱۹) گفته شده که این واژه گرفته شده از جرم «به فتح جیم» به معنای قطع است. (ابن اثیر، بی تا، ۱، ۲۶۱) زیرا گناه بزرگترین عامل انقطاع از خداوند متعال می باشد. (مصطفوی، ۱۴۰۲، ۲، ۷۶) به عقیده طبرسی گناهکار را از آن جهت مجرم گویند که عمل صالح را قطع می کند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲، ۷۱۳) دانشمندان هریک با توجه به رشته خود و مکتبی که از آن الهام گرفته اند جرم را تعریف نموده اند. در یک نگاه کلی تا هفت نوع رویکرد در تعریف جرم و بزه تشخیص داده شده است. (سلیمی، ۱۳۸۶، ۴۲) در نگاه جزئی تر حتی علمای حقوق کیفری نیز هریک جرم (بزه) را به گونه ی مکتبهای که از آن الهام می گیرند تعریف کرده اند. (اردبیلی، ۱۳۸۵، ۱۱۹) از دیدگاه اسلام، افعالی جرم تلقی می شود که مغایر با احکام یا اوامر و نواهی باری تعالی باشد. (اردبیلی، همان)

به عقیده جرم شناسان، هر فعل یا ترک فعلی که برای اکثریت افراد در یک جامعه خطرناک باشد بزه و جرم نامیده می شود. (دانش، ۱۳۸۴، ۵۸) اما امروزه وقتی سخن از جرم و بزه به میان

می آید منظور رفتار و حالت ممنوع قانونی است که قانون برای آن فعل و ترک آن مجازات تعیین کرده است.

از آنچه گفته شد مفهوم طفل بزهکار به دست می آید. طفل بزهکار کودکی است که متهم به ارتکاب بزه شده یا محرز گردیده که مرتکب بزه گردیده است... با توجه به تعریف قانون مجازات، طفل بزهکار هم مثل بزرگسال فردی است که مرتکب فعل یا ترک فعلی شده است که قانون آن را منع کرده است. (معظمی، ۱۳۹۴، ۲۹) از تعاریف مختلف بزه و همچنین تبیین طفل بزهکار به این نتیجه می-رسیم که فرق ماهوی بین جرم و بزه وجود ندارد با این تفاوت که به طور غالب فعل و ترک فعل ممنوع قانونی در رابطه به بزرگسالان «جرم» و نسبت به اطفال «بزه» استعمال می شود.

گفتار دوم: عوامل خانوادگی بزهکاری اطفال

در این گفتار سعی می شود مهم ترین علل و عوامل خانوادگی بزهکاری اطفال و نوجوانان مورد بررسی قرار گیرد

الف) مجرمیت، اعتیاد... پدر و مادر

با اندک تصور در مورد کودک، اگر پدر و مادری دچار بیماری اعتیاد، قاجاق و یا خرید فروش مواد مخدر و الکل، انحراف و... هستند این امر به شدت روی فرزندان تأثیر گذار است. (معظمی، ۱۳۹۱، ۲۲۱) این امر وقتی باعث تشدید بزهکاری فرزند خانواده می شود که خانواده های مجرم، قصد بهره کشی از آن ها به نیت دستیابی به اهداف مورد نظر را از طریق کودکان منزل داشته باشند. حتی اگر چنین نباشد و به آن ها آموزش ندهند صرف مجرمیت خانواده باعث الگو برداری فرزندان خواهد شد. (معظمی، ۱۳۹۱، ۲۲۲) از طرفی دیگر با توجه به اینکه اعتیاد چنانکه بر روی جسم افراد تأثیر گذار است بر روان، افکار و خلیات معتادین نیز تأثیر می گذارد به همین دلیل نقش اعتیاد را می توان در بزهکاری فرزند پررنگ دید. در نتایج صورت گرفته توسط ستاد مبارزه با مواد مخدر نهاد ریاست جمهوری تأثیر تخریبی اعتیاد والدین بر روی فرزندان ۲۷ در صد و این تأثیر از سوی خواهران و برادران ۱۷ در صد عنوان شده است. (سعیدیان و همکاران، بی

تا، ۹۱) به نظر می‌رسد تأثیر گذاری رفتار ناشی از جرم و اعتیاد پدران و مادران بر روی فرزندان خانواده که دارای سن پایین تر باشند به دلیل تقلید پذیری و الگو برداری ذاتی اطفال و نیز حس کنجکاوی و جستجوگری، چنانچه خوانواده مراعات حال آنان را ننمایند و تدبیری جهت محکم جهت حفظ و صیانت شان در نظر نگیرند، غالباً سر انجام جز سقوط در دام اعتیاد و بزهکاری اطفال نخواهد داشت.

ب) خشونت، جدایی، غیبت والدین...

تقریباً تمام پژوهش‌ها نشان داده‌اند افزایش احتمال بزهکاری بیشتر در خانواده‌هایی وجود دارد که والدین از روشهای انضباطی بسیار سخت‌گیرانه مبتنی بر تنبیه بدنی استفاده می‌برند. (اسکندری چراتی، ۱۳۹۶، ۱۸۸) رابطه قوی بین سوء رفتار با رفتار منحرفانه بعدی طفل وجود دارد اگر علت مستقیم بزهکاری نباشد، ممکن است عامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان باشد. (معظمی، ۱۳۹۱، ۲۳۰) هم چنین گفته می‌شود که هفتاد درصد از کودکان و نوجوانان بزهکار، خانواده گسیخته و در هم ریخته داشتند و آمار مشابه در کشور ایران بر روی اطفال کانون اصلاح و تربیت شهر تهران در سال‌های (۱۳۴۸ - ۱۳۵۱) نشان داد که بین چهل تا پنجاه درصد این اطفال متعلق به خانواده‌های از هم گسیخته بوده‌اند.^۷ برخی ۸۰ تا ۹۰ درصد از رفتارهای بزهکارانه را متعلق به خانواده‌های از هم گسیخته می‌دانند. (کریمی، ۱۳۹۴، ۱۵۷) گفته شده است عدم حضور والدین به علت جدایی، طلاق یا ترک خوانواده توسط یکی از والدین، بیماری‌های طولانی و غیبت غیر ارادی یکی از والدین مانند مرگ زن یا شوهر یا زندانی بودن آن‌ها و... که مانع اجرای نقش پدر و مادری است زمینه هرگونه رفتار را برای فرزند فراهم خواهد کرد. (معظمی، ۱۳۹۱، ۲۱۹) رابطه‌ی بین بزهکاری اطفال و غیبت‌های مادران به دلیل اشتغال آنان نیز تأکید شده و در عصر حاضر به دلیل عدم استحکام، همبستگی و دوام پیشین خانواده و عدم ماندن مادران در منزل به دلیل اشتغال کار زنان در خارج از منزل وظیفه مادری که اساسی‌ترین وظیفه آن‌هاست انجام نمی‌شوند و این مسأله می‌تواند به بزهکار شدن اطفال کمک کند. (باهری، ۱۳۸۴، ۳۱۰) همچنین آشکار شده که کودکان بزهکار رابطه بسیار ضعیفی با پدران

خود داشته اند. اغلب فاقد پدر بوده و یا پدر غیبت طولانی دارد، در حالی که بزهکاری با جدایی و طلاق در خانواده همبستگی ناگسستگی دارد. (اسکندری چراتی، ۱۳۹۵، ۱۸۸) به نظر می رسد تأثیر خشونت خانوادگی، طلاق و جدایی پدر و مادر غیبت والدین یا یکی از آن ها از خانه و فرزندان بر روی عملکرد و یادگیری رفتار بزهکارانه آن چنان آشکار و روشن است که نیاز به به هیچ بحث نظری نداشته باشد؛ زیرا روحیه و طبع کودک باالذات عاطفی و الگو پذیری است. ذائقه ذاتی طفل با خشونت و جدایی به هیچ وجه نمی تواند سازگار باشد. از این رو هرچند در کوتاه مدت ممکن است عوارض ناشی از این موارد ملموس نباشد؛ اما بدون شک آثار و پیامد های غیر قابل جبران برای کودکان خواهد داشت.

ج) سن والدین

فرزند امروز متعلق به امروز است و پدر و مادر کمی تعلق به گذشته دارد، به همین دلیل هر مقدار تفاوت سنی بین پدر و مادر بیشتر باشد، به همان میزان افکار و اندیشه فرزند جدا از پدر و مادر خواهد بود. از سوی دیگر، با پا به سن گذاشتن پدر و مادر، کنترل آن ها نسبت به فرزندان کم و کمتر خواهد شد. فاصله سنی زیاد بین والدین و فرزندان باعث عدم درک متقابل از همدیگر است و در نتیجه باعث رابطه نا متعادل بین آنان می گردد. (ملکی، ۱۳۸۵، ۹۳) تأثیر سن بالای پدر جدای از آن چه گفته شد از جهت دیگر نیز مورد مطالعه قرار گرفته؛ به این معنا که به دلیل افت کیفیت اسپرم های مردان در سنین بالا هنگام انتقال آن برای انعقاد فرزند نا هنجاری های ساختاری در آینده برای کودک در پی دارد. (عباسی، ۱۳۹۴، ۹۷) در رابطه به خشونت و بد رفتاری پدران با سن بالا در نتایج برخی تحقیقات انجام شده بیش از پدران سن پایین گزارش شده است. (مدنی، ۱۳۹۰، ۱۲۲) فاصله زیاد سنی خواهران و برادران چنانچه به نوعی به رفتار های ضد اجتماعی دچار اند با بزهکار شدن طفل بی تأثیر نیست. (شاملو، همان، ۴۶) هرچند وجود رابطه سن. (مدنی، همان) با خشونت به طور یکسان به اثبات نرسیده؛ اما به نظر می رسد رابطه سن و سال پدر و مادر با بزهکاری فرزندان فی الجمله می تواند مورد پذیرش قرارگیرد؛ زیرا نشاط و شادابی دوره جوانی، تحمل پذیری بیشتر، هماهنگ شدن با طفل و نیز تامین خواسته های غریزی

دوران کودکی از سوی پدر و مادر به دلیل هم بازی شدن با اطفال و دیگر موارد نمی تواند قابل چشم پوشی باشد.

د) تبعیض، مقایسه، کم محبتی و...

در مواردی دیده می شود که والدین به برخی فرزندان بیش از دیگران محبت و نسبت به بعضی خشونت نموده و بی مهری نشان می دهند، بدون توجه به آنکه فرزندان، این رفتار والدین با خود را تبعیض و بی عدالتی می دانند. در نتیجه، موجب سوء رفتارها و اکنش نشان دادن های آنان می شوند. تبعیض والدین میان فرزندان، مقایسه فرزندان با یکدیگر، با دوستان و آشنایان، تحقیر و سرزنش های پی در پی کودکان در حضور جمع و دوستان، به احساس ناامنی، ایجاد حس حسادت میان فرزندان، نگرانی، ترس و گریز از خانواده در فرزند می انجامد. از آثار مخرب و زیانبار تبعیض بین فرزندان و همچنین به رخ کشیدن مرتب نا کامی های آنان در مقایسه با دیگر فرزندان و دیگر اطفال، پایین آمدن خودباوری و عزت نفس است. مطالعات نشان داده است که حدود یک سوم از نوجوانان عزت نفس کمی دارند. این عزت نفس کم می تواند موقتی باشد؛ اما در موارد جدی و شدید سبب افسردگی، بی اشتها، عصبی، بزهکاری و حتی خودکشی می شود. (انصاری، بی تا، ۳۶۷) در نتیجه آنچه گفته شد تبعیض و بی عدالتی میان فرزندان، همچنان که بذر کینه و دشمنی را در دل آنان می کارد باعث افت خود باوری و عدم عزت نفس می شود که این موضوع با رفتار انحرافی و بزهکاری رابطه نزدیک و بالایی دارد. (خوشابی، ۱۳۸۸، ۴۶ الی ۵۰) از سویی، محبت زیاد و غیر منطقی یا دور نگه داشتن کودک و نوجوان از دیگران سبب می شود که کودک، خود را در شمار آدم های معمولی نداند و از هم سالانش کناره گیری کند و روش اجتماعی زندگی کردن را نیاموزد و در نهایت شخص ترسو، مضطرب و افسرده خواهد بود. (همان) همچنانکه محبت و حمایت زیاد ممکن است طفل را به شخص جری تبدیل کند که همواره خود را ذی حق می دانند در حقیقت، به طور غیر مستقیم به اوزورگویی و تجاوز را یاد می دهند و به تدریج، این حالت در وی تقویت می شود و در دوران بزرگ سالی می کوشد به حقوق دیگران تجاوز کند. چنین افرادی هستند که رفتار ضد اجتماعی پیدا می کنند و بزهکار می

شوند. محبت نکردن یا زیاده روی در محبت به فرزندان، بزهکار شدن فرزندان را در پی دارد.

ه) دیگر عوامل خانوادگی

با جستجو در علل و عوامل خانوادگی بزهکاری اطفال ضمن آنچه در این سطور بیان شد می توان به عواملی دیگر همچون؛ عدم پابندی خانواده به اصول و ضوابط اخلاقی و اعتقادی، بی سوادی یا کم-سوادی والدین، ازدواج های نا موفق والدین، وجود نامادری یا نا پدری، بی سرپرستی، کثرت جمعیت خانواده و فرزندان، تفاوت سنی زیاد بین زن و شوهر، چند همسری و... اشاره کرد. هرچند ممکن است برخی هریک از آن ها را به عنوان عامل مستقل مورد بررسی قرار دهند؛ اما به نظر می رسد هرآنچه در سطور فوق مورد بررسی قرار گرفت عمده ترین عواملی باشند که این عوامل به نوعی وابسته به آن ها خواهند بود. ضمن اینکه به دلیل اختصار در این نوشته سعی بر آن است تا مهم ترین علل بیرونی بزهکاری مورد توجه و شناسائی قرار گیرد.

گفتار سوم: عوامل اجتماعی و محیطی

در این گفتار مهم ترین عوامل اجتماعی و محیطی که در بزهکاری اطفال و جوانان نقش دارند مورد بررسی قرار می گیرد. عوامل اجتماعی و محیط زندگی اطفال نیز در صورتی که از شرایط صحت و سلامت لازم برخوردار نباشد می تواند جرم زا باشد.

الف) عامل اقتصادی و مالی

عامل اقتصادی نقش مهمی در بزهکاری نوجوانان دارد. پژوهشگران بویژه جرم شناسان توجه خاصی بدان مبذول داشته و در اکثر نوشته ها از این عامل مطالبی به رشته تحریر در آورده اند. هرچند در اصل تأثیر گذاری عامل اقتصادی اتفاق نظر وجود دارد؛ اما درباره چگونگی اثرگذاری عامل اقتصاد و مالی، دیدگاه های گوناگونی دارند. گروهی تضاد طبقاتی و توزیع ناعادلانه ثروت و برخی فقر و تهی دستی و عده ای تمایل به ثروتمند شدن در عین بی کاری را عامل جرم می دانند. (عباسی، همان، ۱۳۶) به طور کلی، فقر یکی از عوامل اصلی ارتکاب جرم و بزهکاری به ویژه در نوجوانان و جوانان به شمار می رود. فقر یگانه نیروی عظیمی است که موجب راندن کودکان به محیط کار می شود... نیاز شدید، سرمایه گذاری در تحصیل کودکان را برای خانواده ها

تقریباً غیر ممکن می سازد و بهای تحصیلات می تواند بسیار بالا باشد؛ زیرا بیشتر وقت ها تحصیلات عمومی رایگان نیز در عمل برای یک خانواده فقیر بسیار گران تمام میشود. (میلانی و عبدی، ۱۳۹۵، ۳۵) مطالعات و تحقیقات متعدد در خصوص اثر کار والدین، میزان درآمد و زمان آن جملگی این واقعیت را به اثبات می رساند که بخش عمده ای از نابه-هنجاری و بزهکاری کودکان با نوع و زمان کار والدین و درآمد آنان ارتباط دارد. (همان) بدیهی است در صورت عدم توانایی والدین به هر دلیل مادی و معنوی تربیت و پرورش فرد دچار خدشه و اختلال گشته و موجبی برای ناسازگاری و احتمالاً بزهکاری وی فراهم خواهد کرد. (نجفی توانا، ۱۳۹۲، ۲۳۸) در نتیجه برطرف نشدن نیازهای نوجوانان موجب تحریک و ترغیب آن ها به ارتکاب بزه سرقت یا تخطی گری خواهد شد. (عباسی، همان، ۱۲۷) به تجربه ثابت شده است که همبستگی روشنی بین فقر و جرائم ارتكابی توسط اطفال و حتی بزرگسالان وجود دارد و این حقیقتی انکار ناپذیر است. (حق پناه، ۱۳۹۳، ۶۲) به نظر می رسد بسیاری از علل و عوامل دیگر که به عنوان عامل بزهکاری می توان برشمرد؛ مثل عدم مسکن مناسب، عدم امکانات برای تفریح و سرگرمی اطفال، سرخوردگی طفل در برابر اطفال دیگر در محیط های مدرسه، محل بازی، مراسم ها و تجمعات جمعی یا خانوادگی که موجب شکل گیری عقده ها می گردد و طفل را به سوی بزهکاری نزدیک می کند همه به فقر و تنگدستی بر می گردد.

ب) عامل جنگ

یکی از مواردی که منجر به بزهکاری اطفال می شود محیط جنگی است. در شرایط بحرانی جنگی نظارت والدین بر اطفال به حد اقل می رسد. پدران در جبهه به سر می برند و مادران نمی توانند تسلط لازم بر فرزندان خود داشته باشند و آن ها را هدایت نموده و از انحراف باز دارند. همچنین گفته شده است در نتیجه جنگ، مدارس تعطیل و کودکان به کوچه گردی و ولگردی عادت می کنند و در بیکاری و ولگردی اطفال تباه می شوند. کمی خوراک و آذوقه نیز از نتایج جنگ است که به عنوان علت شیوع بزهکاری اطفال عنوان شده است. (باهری، همان، ۳۱۰) این امر با ملاحظه در جامعه فرانسه وجود رابطه جنگ و بزهکاری بین سال های جنگ جهانی به

اثبات رسیده است و بر عکس چند سال بعد از جنگ به دلیل اشتغال بکار شدن ولگردان، جرائم ارتكابی از طرف صغار رو به تقلیل گذارد و به طور چشم گیر کاهش پیدا کرد. (علی آبادی، ۱۳۸۵، ۱۴۹) به نظر می رسد وجود رابطه ی مستقیم جنگ با هرج و مرج جامعه، ایجاد تزلزل در امنیت، از هم پاشیدگی اقتصاد جامعه، اوج گیری خشونت ها و دیگر عوامل وابسته و متأثر از جنگ موجب استعداد بستر برای بزهکار شدن افراد بویژه اطفال خواهد شد؛ زیرا در فضای جنگ و آشوب بیشترین قربانی همواره ضعفا و ناتوانان بوده اند. قربانی می تواند جسمی باشد و می تواند روحی و روانی باشد. از جمله تاثیر مخرب آن بر افکار و اندیشه ی اطفال است. این موضوع تا حدی زیاد روشن و قابل قبول است.

ج) عامل محیط مدرسه

مدرسه و محل تحصیل در کنار خانواده در شکل دهی شخصیت دانش آموزان نقش مهم و اثر گذاری دارد. بسیاری از انسان های بزرگ، وام دار معلمان خوب و شایسته هستند و ریشه موفقیت خود را در پرورش یافتن در مدرسه ی اخلاق مدار و دانش محور می دانند. بدون شک در صورتی که مدرسه از استانداردهای لازم و کیفیت خوب برخوردار باشد نقش سازنده آن بر روی دانش آموزان بیش از هر چیز دیگر می تواند در آینده ی کودکان ملموس باشد؛ اما از سوی دیگر مدرسه محل تبعیض و بی عدالتی در دادن نمره، توییح بی مورد، تحقیر در حضور دیگر دانش آموزان، توقع بی جای مدرسه بدون توجه به امکانات مالی، ازدیاد غیر متعارف دانش آموزان، عدم مراقبت از رفتار دانش آموزان در محیط مدرسه، در فاصله راه بین مدرسه و خانه و موارد از این دست در بروز بزه موثر است و حالت خطرناک را تشدید می کند. (دانش، ۱۳۸۵، ۹۰) هم چنین اهداف و مقاصد دستگاه آموزش و پرورش، محتوای کتب درسی، حدود و میزان تکالیف درسی، کیفیت عرضه و ارائه و محتوای آن، سلامت یا انحراف مسئولین مدرسه، تنوع فرهنگ ها و تعارض برخورد این ها می تواند عوامل تاثیر گذار منفی در اندیشه و روان دانش آموز باشد. (کریمی، همان، ۱۵۸) عوامل نامبرده و دیگر عواملی از این قبیل سردی دانش آموز را از محیط مدرسه در پی خواهد داشت و نه تنها باعث گریز او از درس و تحصیل خواهد شد بلکه در نتیجه، زمینه را

برای ارتکاب انواع خلاف ها و جرم ها برای وی فراهم می آورد. به نظر می رسد عامل مدرسه را در کنار عامل خانواده باید جدی به حساب آورد؛ زیرا دل زدگی از مدرسه عقده های بعدی فراوان را به همراه خواهد داشت که آینده ی چندان خوب را نمی تواند نوید دهد.

د) عامل خرید، فروش و سوء استفاده از کودکان

خرید و فروش کودکان اعم از اینکه توسط باند های آدم ربای و قاچاقچیان انسان انجام می شوند و یا آن های که توسط پدران و مادران مورد معامله قرار می گیرند، کودکان را سر انجام به سمت بزهکاری از جمله انحرافات اخلاقی و جنسی سوق می دهند. به طور کلی جداسازی طفل از خانواده در دوره-ی که به تربیت، حمایت و مراقبت نیاز دارد، پیامد های زیانباری در پی خواهد داشت؛ زیرا این جدا سازی به طرد و کوچک شمردن طفل منجر شده، حس اعتماد به نفس را تضعیف و موجبات تقویت حس بدبینی و تنفر را فراهم می آورد. (نیازپور، ۱۳۸۹، ۶۰) شاید شنیدن خرید و فروش کودکان در ابتدا کمی تأمل بر انگیز به نظر برسد؛ اما متأسفانه وقوع چنین عمل زشت وجود دارد. چنانچه به باور برخی خرید و فروش اطفال را به طور همیشگی عنوان می کند که موجب هرزه انگاری و بهره برداری جنسی از اطفال و در نهایت به روسپیگری آنان می انجامد. (عباچی، ۱۳۸۰، ۸۷) این در حالی است که سوء استفاده جسمی و جنسی مربوط به دوران کودکی، با مشکلات متعددی برای بزه دیدگان آتی در زندگی مرتبط است که از آن جمله می توان به اقدام به کشی و تکرار رفتار خودکشی اشاره نمود. رابطه ای قوی میان تجربه های بد دوران کودکی و اقدام به خود کشی در طی دوران زندگی وجود دارد. (آن ولبرت و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۵۹) وضعیت به حد نگران کننده است که سوء رفتار با کودکان، سوء استفاده از آنان، قاچاق کودکان و همچنین خرید و فروش آنان به منظور سوء استفاده از اعضای بدن و پورنو گرافی در سال های اخیر موجب توجه افکار عمومی و جنبش های طرفدار حقوق کودکان و رسانه ها گردید و در نهایت منجر به تصویب قانون حمایت از کودکان در برابر این آزار و اذیت ها شد. (معظمی، ۱۳۹۱، ۴۹) بهره برداری جنسی به تهیه فیلم و عکس خلاف اخلاق از آنان و منجر به انتشار تصاویر قبیحه می گردد... در نهایت شوم ترین سرنوشت ها در انتظار آنان است، برخی

به کارهای سخت، تعداد دیگری از آن ها به تگدی گری، برخی به باندهای دزدی، خرید و فروش مواد مخدر و گروه های فحشا وارد می شوند. (خوشابی، همان، ۸۰) هرچند خرید و فروش و همچنان بهره برداری جنسی از کودکان بیشتر متوجه جامعه غیر اسلامی می باشد؛ اما با توجه به فضای ناخوشایند فرهنگی و رسانه ای، گشودن باب این موضوع خالی از فایده نخواهد بود تا جامعه اسلامی، پیشاپیش به فکر علاج این علل و عوامل احتمالی باشیم.

۵) مهاجرت

هجوم جمعیت کنترل نشده از مناطق روستایی به مناطق شهری نتایج زیانباری را برای کودکان در پی دارد. مهاجران جدید خود را در شهرها بیگانه دیده و به دلیل نداشتن وسایل کافی برای زندگی، ناچار هستند وارد مشاغل گردند که نباید وارد آن می شدند. از جمله به کارگیری کودکان مهاجر است که برای مشاغل همچون خرید و فروش مواد مخدر، به ویژه اگر به صورت سازمان یافته باشد می تواند از علل بسیار مهم بزهکاری آنان به حساب آید. مهاجرت از کشوری به کشور دیگر نیز می تواند به دلیل آنچه مورد اشاره قرار گرفت آثار زیانبار را برای کودکان داشته باشد. این موضوع به حدی مهم است که در سطح بین المللی همواره لزوم توجه به این معضل اجتماعی و به ویژه آثار سوء آن به زندگی نوجوانان و جوانان تاکید شده است. (عباچی، همان، ۹۵) با اینکه صرف مهاجرت را نمی توان علت تامه جهت انحراف و بزهکاری اطفال و نوجوانان دانست؛ ولی اگر این مهاجرت با شرایط و زمینه های مساعد دیگر که محیط های اولیه کمتر فراهم می شود توأم گردد، راه برای بزهکاری اطفال به سهولت هموار خواهد شد. (شامیبانی، ۱۳۸۳، ۲۳۸) طبیعی خواهد بود چنانچه طفلی وسیله و ابزار خرید و فروش مواد مخدر و روانگردان ها و هر کار و رفتار جرم زا قرار گیرند نتیجه و پیامدی جز مصرف، اعتیاد و سودجویی از این طریق را نخواهد داشت. پس موضوع مهاجرت نیز می تواند به عنوان عامل دیگر بزهکاری مورد گفتگو و دقت نظر جدی مطرح باشد.

۶) دوستان و هم سالان

نقش مهم و اساسی دوست و هم سالان به عنوان عامل دیگر بزهکاری اطفال و نوجوانان

مطرح است. اثرگذاری دوستی در سلامت و شقاوت افراد، چیزی است که از منابع دسته اول دینی ما نیز به خوبی استفاده می شود. قرآن کریم برخی دوست های دنیای را به دلیل به انحراف کشیدن دوست در آخرت دشمن هم دیگر عنوان می کند. (زخرف، ۶۷) برخی در قیامت دستان خود را از فرط پشیمانی دوستی با نا اهلان به شدت گاز می گیرند. (فرقان، ۲۷) هم چنین با توجه به اینکه اطفال خردسال در ارتکاب جرایم معمولاً کشش فراوانی به انجام دسته جمعی آن ها دارند و از انجام عمل خلاف به تنهایی احتراز و دوری می کنند پس حضور در جمع دوستانه به اطفال قدرت مضاعف بخشیده و در نهایت آنان را بسوی فعل بزه بیشتر سوق خواهند داد، به همین دلیل طفلی که با دوستان مرتکب یک عمل مجرمانه می شود، شاید هرگز به تنهایی قادر به انجام آن نباشد. (نجفی توانا، همان، ۱۴۲) اصولاً باید دانست که از لحاظ روانشناسی تاثیر رفقا و دوستان در جوانان عملاً خیلی بیشتر از نفوذ کلام پدر و مادر یا سرپرستان می باشد؛ زیرا به خاطر همگانی و همفکری که دوستان هم سن و سال با هم دارند افکار و اعمال یکدیگر را بیشتر می پسندند. (صلاحی، ۱۳۸۶، ۱۴۹) به نظر می رسد با توجه به دوستی های عمیق و فراوان اطفال با یکدیگر و همچنین وابستگی و علایق شدید آنان و نیز بنا به طبع الگوپذیری بیشتر اطفال نقش دوستی را بتوان در بزهکاری شدن آنان پررنگ دید. به ویژه اینکه در دوران طفولیت و نوجوانی طبع خود نشان دادن در برابر دوستان بیشتر گل نموده و این موضوع باعث بروز برخی رفتار ناشایست و بزه خواهد شد. البته این مسأله می تواند برعکس هم باشد چنانچه محیط سالم باشد و رفاقت ها با فرزندان خانواده های باشند که نه تنها آسیب پذیر نیستند بلکه تضمین کننده سلامت رفتار و افکار دیگران باشند.

گفتار چهارم: عوامل فرهنگی و رسانه ای

رسانه های گروهی مانند رادیو، تلویزیون، مطبوعات و.. از جمله عواملی هستند که در صورت عدم مدیریت درست، کجروی، فساد و بزهکاری را در پی خواهد داشت.

الف) سینما، تلویزیون، ماهواره، رادیو و..

نقش سینما و تلویزیون را از آن جهت می توان در سلامت و عدم سلامت جامعه، خانواده ها

به طور عموم و اطفال به طور خاص مهم و اثر گذار دانست که امروزه مثل مهم ترین عضو خانواده بلکه تاثیرگذار تر از دیگر اعضا همواره حضور دارند. تلویزیون غالباً روشن است، لحظه به لحظه با اطفال حرف می زند و ارتباط گسستگی بین تلویزیون و کودکان برقرار است. در این میان اطفال بیش از دیگر اعضای خانواده با آن مأنوس است؛ زیرا به دلیل پخش مکرر انواع سریال، موسیقی، نمایش های انیمیشنی، حضور افراد هنرمند و.. برای آن ها جذابیت دارد. این در حالی است که در کودکان رویه الگو پذیری، همانند سازی و تقلید برداری همواره وجود دارد. (کریمی، همان، ۱۳۲) چه زمینه ای بالاتر از الگو برداری از فیلم های پر از هیجان تلویزیون و سینما می توان برای کودکان شناخت؟ نگارنده خود بارها دیده است که اطفال گاه خود را مشابه شخصیت های فیلم می سازد. به همین دلیل گفته شده است: فیلم سینمای نقش مؤثری در انحراف و بزهکاری جوانان بازی می کند؛ تقلید از بازیگران فیلم ها همزیستی و هم آهنگی نوجوانان را با بزرگسالان مشکل نموده و تحت تأثیر این افکار تلقین شده ناسازگاری اجتماعی بروز و ظهور می کند. (دانش، ۱۳۸۴، ۳۱۶) نمایش اعمال خشونت بار، کشتار، حنایت، خون آشامی و نیز صحنه های هیجان انگیز در فزونی و تشدید اعمال انحرافی و بزه اثر بسزای دارد....نقش این فیلم ها در بزهکاری اطفال از این جهت است که صحنه های پر خاشگرانه، مانند تند خوئی، سخت دلی، بیرحمی، ادمکشی را با تمام فنون رنگی، حرکتی و صوتی مربوط نمایش می دهند. (حق پناه، همان، ۶۹) همچنین نباید نقش مخرب این رسانه ها را در نمایش های فراموش کرد یا نادیده انگاشت که انواع روابطه های عاشقانه و نا مشروع را در دستور کار قراردارند. تماشای فیلم های از این نوع در سینماها موجب هیجانات می شود. چون این هیجانات از مجرای طبیعی نیست جوانان را به حالت عصبی تبدیل نموده و همواره با خود درجنگ و ستیزند. (دانش، همان، ۱۳۲) آنچه گفته شد جدای از آن است که برخی از رسانه ها همچون شبکه های ماهواره ی فعال امروز باهدف تخریب و نابودی جوانان و اطفال ساخته شده و فعالیت می کنند. نقش تخریبی این رسانه ها همچون روز روشن است. به نظر می رسد علی رغم کارکرد های مثبتی که می توان برای رسانه های عمومی دیداری - شنیداری در نظر گرفت؛ اما باید توجه داشت چنانچه این رسانه ها با باورهای دینی و فرهنگ بومی ناهماهنگ و بر خلاف

باورهای اسلامی مردم باشند، به عنوان عامل بسیار مهم فراهم آوردن جرم و بزه برای مخاطبان خود، به ویژه نوجوانان و جوانان عمل می کنند. همچنانکه آثار عینی و ملموس رسانه ها امروزه در خانواده ها و اطفال به وضوح به چشم می خورد.

ب) مطبوعات و نشریات

مطبوعات و نشریات را نیز نباید بی تأثیر در بزهکاری کودکان دانست. هرچند تأثیر مخرب مطبوعات و مجلات در مقایسه با سینما، تلویزیون، ماهواره، گوشی ها و سی دی های رایانه ای اندک است؛ اما به اندازه خود می تواند در سرقت فکر و اندیشه کودکان فعال عمل کند. اصولاً در دنیای امروز که کودکان به انواع رسانه های صوتی و تصویری جذاب دسترسی دارد، کشش و جذابیت مجلات نسبتاً اندک است. به همین دلیل نقش تخریبی آن را هرچند می توان در مقایسه با دیگر ادوات رسانه ای امروزی کمتر دانست؛ اما آن دسته از مجلات و نشریاتی که برای کودکان جذابیت دارد؛ همانند مجلات هفتگی، ماهانه، داستان های کوتاه و.. به همان میزان که اثرگذاری مطلوب می تواند داشته باشد در صورت چاپ عکس متهم، اغراق در بیان شرح حال بزهکاران، تشریح تخیلی علل ارتکاب آن، برای جوانانی که به دنبال معروفیت و شهرت اند و با تقلید از جنایت کاران به سمت جرم ترغیب می شوند... زمانی که مجلات مسائل جنایی و جنسی را بدون هیچگونه سانسور می نویسند مسلماً در اذهان کودک تأثیر مخرب برجای می گذارد. (شامبیانی، ۱۳۸۳، ۲۴۶) به نظر می رسد قدرت تخریبی مجلات حد اقل در جامعه اسلامی با توجه به نگاه حاکم فرهنگی در مقایسه با دیگر عوامل فرهنگی و رسانه ای نا چیز است، هرچند در مجموع مطبوعات کنترل نشده و بدون توجه به آثار و پیامد های که ممکن است داشته باشند می توانند از علل مهم جرم و بزه زا به حساب آید؛ ولی قدرت اثرگذاری تخریبی نشریات امروز در مقایسه با رسانه های نامبرده و آنچه در مطلب بعدی خواهد آمد ناچیز است.

ج) اینترنت، سایت ها و شبکه های مجازی و...

بدون شک یکی از ابزارها و عوامل مهم در بزهکاری جوانان قرن حاضر وجود اینترنت و فضای سر بسته و در عین حال فضای باز مجازی است که جز خود فرد و آنچه در آن می گذرد

نظارت و کنترل خانواده و دیگران را به شدت به مشکل مواجه کرده است. تردید وجود ندارد که اگر تا سال-های آخر، عوامل خانوادگی و دیگر عوامل برشمرده شده به عنوان خطر جدی انحراف گر کودک مطرح بود، امروزه با ظهور گوشی های هوشمند و امکان دسترسی اطفال و نوجوانان به انواع و اقسام سایت ها، عضویت در گروه های مختلف سنی، جنسیتی، دست یابی به انواع و اقسام مطالب، عکس، فیلم از طریق پیام رسان ها، مرورگرها و همچنین با آیدی و صفحه سازی؛ حتی به اسم مستعار و... زنگ خطر بلند را به صدا در آورده و فریاد وامصیبتا سر می دهد. خطرات ناشی از این ابزارهای مسموم و کشنده به حدی است که برخی معتقدند هرچند رسانه های، نسبت به آسیب های آن دست به کار شده اند؛ اما مطالب زیادی در باره فضای مجازی منتشر نشده است. بهره جوی اینترنتی، یک کودک را به یک محتوای جنسی ناخواسته یا یک کالای ناخواسته از طریق اینترنت تبدیل می کند و در اختیار تقاضاهایی سرزده برای گفت و گوهای جنسی قرار می دهد. این نوع بهره جویی شامل به کار گیری، استفاده، ترغیب، تشویق، اغفال یا اجبار افراد کم سال برای درگیر شدن در رفتار های جنسی آشکار با هدف تولید نمایش بصری از چنین رفتاری است. (آن ولبرت و همکاران، همان، ۲۵۶) این منبع آمار نگران کننده از وضعیت طعمه قرار گرفتن و در نهایت آسیب های جدی به کودکان و بزهکار شدن آنان ارائه می کند. به نظر می رسد با آنکه آسیب زائی کودکان در جامعه اسلامی را می توان تا حدودی از جامعه غربی و غیر مسلمان تفکیک نمود و به جامعه اسلامی با عینک مثبت نگری نگریست؛ اما از واقعیت های موجود نمی توان فرار کرد. نگارنده به این باور است که امروزه اگر نتوانیم نقش مخرب و کشنده فضای مجازی را برای عموم و بویژه اطفال خطرناکتر از خانواده از هم گسیسته و تمام عوامل دیگر بنگریم، به طور قطع می توان آن را در عرض خانواده ی از هم پاشیده عنوان کرد که حد اقل به همان میزان می تواند برای اطفال و نوجوانان خطر آفرین باشد.

نتیجه بحث

از مجموع آنچه تا کنون مورد بررسی قرار گرفت به این نتیجه می رسیم که جدای از علل و عوامل درونی، عوامل بیرونی، نقش بسیار مهم و پر رنگ در شکل گیری شخصیت ضد اجتماعی

کودکان دارند. طفل بنا به طبیعت ذاتی و کودکانه اش دارای روح لطیف، طبع نرم و چون گل نازک است. به همان سرعت که با محبت و عاطفه دیدن صحیح و به هنگام شکوفه می زند و می تواند برای خانواده، مردم و جامعه در آینده مثمر ثمر باشد به همان میزان بلکه بیشتر از آن از نفرت، بی عاطفگی، خشونت، فراق ها و دیگر عوامل تنش زا بیزار است و آسیب می پذیرد.

در این میان عامل خانواده بیش از دیگر عوامل در رشد و بالندگی و بزهکاری و نارسایی آن تأثیر دارد. بین احساس امنیت طفل در خانه و خانواده، اعتماد داشتن و تکیه گاه انگاشتن پدر و مادر، حضور منظم والدین در منزل، تأمین نیازهای جسمی، روحی و عاطفی طفل و... با سلامت جسم و سلامت روح و روان او در بزرگسالی رابطه مستقیم، محکم و متقن وجود دارد. از سوی دیگر خشونت در منزل، نا مهربانی در میان خانواده، سستی بنیان آن، وجود تبعیض و... شالوده فکر و ذهن او را به هم می ریزد و با ذخیره سازی انواع حقارت ها و عقده های دوران طفولیت چیزی جز تبدیل شدن به انباری از باروت و سر انجام انفجار، برای جامعه هدیه و تحفه ای به همراه ندارد.

همچنان طفل زائده و محصول عوامل محیطی و اجتماعی حاکم بر محیط و مردم است. به هر اندازه که محیط از سلامت و سازگاری برخوردار باشد، هر قدر جامعه با خود و کودک صادق و مهربان باشد، طفل نیز سلامت و صداقت را بنا به طبع و ذائقه ی خدادادی خود بنا به تقلید پذیر بودن و انعطاف داشتن از جامعه می پذیرد و به عنوان فرد سازگار با محیط و مردم طی طریق خواهد کرد؛ اما از طفلی که جز طعم تلخ فقر و گرسنگی نچشیده، غیر از تبعیض تجربه ی دیگر نیاموخته، تنها با دوستان ناباب و بزرگسالان مجرم مراوده و نشست و برخاست داشته، در میان غبار تاریک جهل، جنگ، جنون، حوادث اسفبار شب و روز کرده، با دود سیگار تریاک و.. نفس کشیده، کشور به کشور، شهر به شهر و روستا به روستا به دلایل عدم امنیت جانی، تهیه لقمه نان برای خود و خانواده و... مهاجرت کرده، همواره یا گاها طعمه شکارچیان هوس های شیطانی قرار گرفته و... چه انتظاری جز آن چه دیده، شنیده، یادگرفته و تجربه کرده می توان از او داشت!

از سوی دیگر صحت و بیماری اطفال با صحت و بیماری رسانه ها بویژه رسانه های جمعی

(صوتی و تصویری) فضای اثر گذار مجازی، مطبوعات و نشریات پیوند مستحکم و ارتباط بسیار قوی وجود دارد. در محیط رسانه ای ناسالم، وقتی اطفال حتی بیشتر از خانواده با آن انس و الفت دارد، این رسانه ها به جای مادر، طفل را به آغوش کشیده و در گوش او لالای مورد نظر خود را زمزمه می کنند، پرورش فرزند سالم و سازگار با اجتماع توقع نا به جا نا ثواب خواهد بود. چنانچه سایه سنگین فضای تیره و ابری رسانه های ارتباطی اعم از ماهواره، تلویزیون، ویدیوها، اینترنت و موبایل برخی از نشریات و مجلات را چند سالیست در سبک زندگی ها به وضوح به نظاره نشسته ایم که جای شک و تردیدی باقی نمی گذارد.

پی نوشت ها

۱. عانه به اطراف آلت تناسلی مردان یا زنان اطلاق می شود.
۲. به نقل از: سایت حقوق نیوز، تاریخ مراجعه ۱۳۹۹/۴/۲۰
۳. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال افغانستان، ماده ۴
۴. قانون تخلفات اطفال بعد از تسوید و تدقیق توسط موظفین امور قانونگذاری و تحقیقات علمی حقوقی وزارت عدلیه توسط مجلس عالی وزراء شماره ۱۰ تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۶ تصویب و به اساس فرمان تقنینی شماره ۴۶ تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۹ و به اساس حکم شماره ۷۶۵ ریاست جمهوری در جریده رسمی شماره ۸۴۶ تاریخ ۱۳۸۴/۱/۳ نشر گردید.
۵. بر اساس قانون مجازات اسلامی ماده ۴۹
۶. در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی چنین آمده است: «در باره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرایم

تعزیری می‌شوند سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند.»

۷. به نقل از محسن منصوری آرانی، سایت اداره کل زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان تهران، تاریخ مراجعه ۹۹/۴/۲۵

کتابنامه

قرآن کریم

اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چ نهم، ۱۳۸۵
اسکندری چراتی، آذر، بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر بزهکاری نوجوانان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۳۴، زمستان ۱۳۹۶

انصاری، نصر الله، تحلیل بزهکاری نوجوانان کانون اصلاح و تربیت تهران، فصلنامه علمی -

- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۵
- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، بی‌چا، سخن، ۱۳۸۱
- آن ولبرت برجس و همکاران، بزه دیده شناسی نظریه ها و کاربردها، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران، میزان، چ اول، ۱۳۹۵
- باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات مجد، چ دوم، ۱۳۸۴
- جزری، ابن اثیر، مبارك بن محمد النهایة في غریب الحديث و الأثر، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چ اول
- جعفری لنگرودی، محمد، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چ دوازدهم، ۱۳۸۱
- حق پناه، عباس، جرم شناسی بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات مجد، چ اول، ۱۳۹۳
- حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم، بیروت، دارالفکر، چ اول، سال ۱۴۲۰ ق
- خوشابی، کتابیون، کودک آزاری، تهران، نشر قطره، چ اول، ۱۳۸۸
- دانش، تاج زمان، طفل بزهکار کیست؟ روش اصلاح و تربیت او چیست؟، تهران، کیهان، چ اول، ۱۳۸۵
- دانش، تاج زمان، مجرم کیست؟ جرم شناسی چیست؟، تهران، کیهان، چ دهم، ۱۳۸۴
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد مفردات، لبنان- سوریه، دار العلم- دار الشامیه، چ اول، ۱۴۱۲
- زراعت، عباس، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات ققنوس، چ دوم، ۱۳۸۶
- ساریخانی، عادل حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، پیام نور، چ هشتم، ۱۳۹۱
- سعیدیان، گلثوم و همکاران، عوامل بزهکاری اطفال و نوجوانان مشهد مطالعه موردی سال های ۹۵-۹۳، دانش انتظامی خراسان رضوی
- سلیمی، علی، جرم و جرم شناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ سوم، ۱۳۸۶
- شامبیانی، هوشنگ، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات مجد، چ دوازدهم، ۱۳۸۳

- شامبیانی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات مجد، چ اول، ۱۳۹۲
- شاملو، باقر، عدالت کیفری و اطفال، بی جا، انتشارات جنگل، چ اول، ۱۳۹۰
- صلاحی، جاوید، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چ اول، ۱۳۸۶
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، تهران، ناصر خسرو، چ سوم، ۱۳۷۲
- عباسی، مجتبی، حقوق کیفری اطفال، تهران، مجد، چ اول، ۱۳۸۰
- عباسی، مجتبی، بزهکاری اطفال، تهران، مجد، چ اول، ۱۳۹۴
- علوی، سید عادل، القول الرشید...، قم، کتابخانه آیت ا... مرعشی، چ اول، ۱۴۲۱ ق
- علی آبادی، عبد الحسین، حقوق جنایی، تهران، فردوسی، چ چهارم، ۱۳۸۵
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چ دوم، ۱۴۱۰ هـ ق
- فیومی، احمد بن محمد مصباح المنیر، قم، دار الرضی، چ اول، بی تا
- قانون رسیدگی به تخلفات اطفال افغانستان
- قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰
- قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲
- قانون مدنی ایران
- کریمی، مهدی، بزهکاری کودکان و نوجوانان (سرقت) تهران، انتشارات مجد، چ اول، ۱۳۹۴
- کوشا جعفر و خواجه نوری یاسمن، جهانی شدن مفهوم طفل در بستر حقوق کیفری، ویژه نامه شماره ۹ تحقیقات حقوقی
- گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی ۱- ۲- ۳، تهران، نشر میزان، چ پانزدهم ۱۳۸۶
- محمود عبد الرحمان، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، بی جا، بی تا
- مدنی، سعید، خشونت علیه کودکان در ایران، تهران، آشیان، چ اول، ۱۳۹۰
- مرتضوی لنگرودی، سید محمد حسن، الدر النصید...، قم، موسسه انصاریان، چ اول، ۱۴۱۲ ق
- مصطفوی، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران، مرکز الکتاب، چ اول، ۱۴۰۲ هـ ق

- معظمی، شهلا، بزهکاری کودکان و نوجوانان، انتشارات دادگستر، چ هفتم، سال ۱۳۹۱
- معظمی، شهلا، دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان، تهران، نشر دادگستر، چ اول، ۱۳۹۴
- ملکی، حسن، کودکان و نوجوانان خیابانی، بی جا، نشر آبیژ، چ اول، ۱۳۸۵
- میلانی، علیرضا و عبدی، الهام، تأثیر کار کودک بر بزهکاری اطفال، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵
- نجفی ابرند آبادی، دانشنامه جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ اول، ۱۳۷۷
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث، چ هفتم، ۱۴۰۴ ق
- نجفی توانا، جرم شناسی، تهران، آموزش و سنجش، چ شانزدهم، ۱۳۹۲
- نیاز پور، امیر حسین، پاسخ های عدالت کیفری ایران به بزهکاری اطفال، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره چهاردهم، بهار ۱۳۸۹

